

# نقد و بررسی کتاب

محمد استعلامی

مجموعه تصوف و عرفان

(ترجمه کتابهای Curzon Sufi Series)

مترجم: دکتر مجدالدین کیوانی

نشر مرکز، تهران ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ ش.

چند سال است که مؤسسه Curzon Press Ltd. Survey در انگلیس کتابهای فشرده و سودمندی درباره احوال و آثار عارفان و نویسندگان ادبیات صوفیانه ایران منتشر می کند. هر کتاب این مجموعه خاص احوال و آثار یک صوفی یا متصوف معروف، یا یک مبحث ادبیات صوفیانه فارسی است. مؤلفان کتابها نیز از کسانی هستند، که در موضوع کار خود مطالعه کافی دارند و با تسلط بر زبان انگلیسی می توانند آثار خود را به صورتی مفهوم و روشن به آن زبان عرضه کنند. در این نوشته، به هر حال سخن درباره اصل انگلیسی این مجموعه نیست. در دو سال اخیر مؤسسه نشر مرکز در تهران روی ترجمه این مجموعه سرمایه گذاری کرده، و کار را به مترجمی سپرده، که استاد زبان و ادبیات انگلیسی است و با زبان و ادب فارسی و متون و منابع تصوف ایران نیز کاملاً آشناست، و باید گفت که انتخاب او برای این کار، حکایت از آن دارد که در مؤسسه نشر مرکز «آن گوهری که قدر گوهر را می شناسد» حضور دارد.

تا آن جا که می دانم هشت کتاب از این مجموعه به دست دکتر مجدالدین کیوانی ترجمه شده، و تا این تاریخ - هژدهم شهریور ۱۳۷۸ - پنج کتاب به مرحله نشر رسیده، و سه کتاب دیگر که عنوان آنها در پایان مجلدات منتشر شده آمده، باید در یکی دو سال آینده به بازار بیاید.\* در این شماره ایران شناسی، نخستین کتاب این مجموعه عرفان نشر مرکز را معرفی می کنم

\* مجلدات منتشر شده، به ترتیب زمان نشر، این پنج کتاب است:

- ۱- سهروردی و مکتب اشراق، تألیف دکتر مهدی امین رضوی دانشیار بخش فلسفه و ادیان در Mary College، شهر واشینگتن؛ ۲- حلاج، تألیف Herbert W. Mason استاد بخش تاریخ و مذهب در Boston University، که مقاله ها و کتابهای دیگری نیز در این زمینه دارد؛ ۳- خواجه عبدالله انصاری، تألیف دکتر عبدالغفور روان فرهادی ←

و از چهار کتاب دیگر در شماره های بعد با شما سخن خواهم گفت:

### ۱- سهروردی و مکتب اشراق:

مؤلف اصل انگلیسی کتاب دکتر مهدی امین رضوی ست. وی پایان نامه دکتری خود را در دانشگاه تمپل (فیلادلفیا) درباره «نظریه علم از دیدگاه سهروردی» نوشته و مقاله های بسیاری درباره مباحث گوناگون دین و فلسفه در اسلام در مجله هایی که ارزش تحقیقی دارد، انتشار داده است. برای معرفی این کتاب، هرچه بنویسم، رساتر و سودمندتر از این نخواهد بود که عباراتی از پیشگفتار مترجم کتاب را نقل کنم:

سهروردی و مکتب اشراق، گرچه احتمالاً برای اهل تخصص نوشته نشده- و به نظر هم نمی رسد چنین ادعایی داشته باشد- بی تردید متخصصان می توانند شیخ را در این کتاب، از منظر غربیان یا پروردگان فرهنگ غرب ببینند. به هر حال، به نظر می رسد که هدف نویسنده از تألیف این کتاب، معرفی همه جانبه - ولی نه چندان مفصل و فنی- سهروردی به خواننده انگلیسی زبان یا انگلیسی دانی ست، که یا دانشجوی رشته فلسفه و علاقه مند به تفکر فلسفی شرقی ست، یا هنوز به معنویات و اندیشه هایی که ثمره مادی ندارد اهمیت می دهد... به علاوه، خوانندگان می توانند تحول تفکر اشراقی و سرنوشت آن را در طول قرون متمادی تا عصر حاضر [در این کتاب] دنبال کنند...

... شهاب الدین گرفتار تفکر یک بُعدی و تعصب آمیز نبود. وی مانند بسیاری از اندیشه مندان تاریخ فقط خود را برحق نمی دانست و دیگران را بر باطل... باوجود این که مسلمانی مؤمن و کاملاً آشنا با علوم قرآنی بود، از جستجوی حقیقت در سنتهای فکری یونانی، زردشتی، هندی، یهودی و مسیحی، نه تنها ابایی نداشت، بلکه عناصری از این سنتها را در تار و

→ پژوهنده و ادیب و دیپلمات سرشناس افغانستان؛ ۴- روزبهان بقلی، تألیف Carl W. Ernest دانشیار و مدیر بخش تاریخ ادیان در Pomona College، کالیفرنیا، که اثر دیگر او درباره شطحیات صوفیان نیز شهرتی دارد؛ ۵- شعر صوفیانه فارسی، درآمدی بر کاربرد شعر عرفانی کلاسیک، تألیف Johannes T.P. de Bruijn استاد زبان فارسی و تاریخ فرهنگ ایران در لیدن، هلند، که کتاب دیگری در معرفی آثار و اندیشه های سنائی دارد. سه کتاب دیگر که ترجمه شده و هنوز به بازار نیامده، مطابق آنچه نشر مرکز در پایان پنج کتاب حاضر صورت داده، عبارتند از:

۱- فراسوی ایمان و کفر، اشعار و تعالیم صوفیانه محمود شبستری، تألیف Leonard Lewisohn پژوهشگر انگلیسی که بر زبان فارسی و ادبیات صوفیانه ایران تسلط دارد؛ ۲- عزیز نسفی، تألیف لوید ریجون، که تحریر انگلیسی نام او و شرح حال و آثار او را در دسترس ندارم و باید منتظر مقدمه ای باشم که دکتر کیوانی بر ترجمه کتاب او خواهد افزود؛ ۳- مفهوم ولایت در عرفان اولیه اسلام، تألیف برند راتنگه و جان اوگن، که دوتن اخیر را نیز نمی شناسم و تحریر انگلیسی نام آن دورا در دسترس ندارم.

بود نسج فکری خویش تنید و نظام فلسفی خویش را جامعیت بخشید....

امتیاز دیگر سهروردی، استقلال فکری و جسارت او در عرضه صریح بسیاری از افکار خویش بود... شیخ اشراق از لحاظ جسارت در بیان، به راستی الگویی ست برای کسانی که نمی خواهند اندیشه های خویش را تابع عافیت طلبی و مصلحت بینی خود، و خوش آمد و بد آید این و آن قرار دهند.

با این همه، شاید استثنایی ترین نکته در مورد سهروردی همان باشد که وی شهرت خود و عنوان فلسفه اش را از آن گرفته است: نور!... نور محض، یعنی حقیقت مطلق، خداوند است که شیخ آن را نورالانوار می نامد.... از سخنان شیخ و زمینه های فکری وی برمی آید که او نور را با گوشه چشمی به نور در آیین زرتشتی، نور در قرآن و حتی همین نور محسوس ملموس به کار گرفته است، چون در عالم محسوسات نیز چیزی روشنتر از نور نمی توان یافت. به هر تقدیر، خواننده فلسفه اشراق آفرینشی زیبا و متأللی در برابر چشم ذهن خویش متصور می بیند... شیخ منافاتی میان فلسفه و عرفان نمی بیند، نظام فلسفی او بر استدلال، و کشف و شهود، هردو، مبتنی ست، پیشرفته ترین طبقه از طبقات دانا یان، آنان اند که هم در فلسفه استدلالی هم در عرفان به کمال رسیده اند... تفاوت میان محمد غزالی و سهروردی در این است که امام طوس فلسفه را کنار گذارد تا بیشتر و بیشتر به عرفان پردازد، اما سهروردی آن را وسیله ای در کنار عرفان برای رسیدن به حقیقت قرار داد.....<sup>۱</sup>

پس از پیشگفتار مترجم که نکات مهم آن از پیش شما گذشت، ترجمه مقدمه مؤلف کتاب می آید که در آن دکتر امین رضوی اذعان می کند که مکتب فلسفی - عرفانی سهروردی را در یک بررسی علمی، و نه در یک تجربه عارفانه، بررسی کرده، و «کتاب حاضر... اعتبار یا درستی اندیشه های خاص او را ارائه نمی کند».<sup>۲</sup> در همین مقدمه سه وجه شخصیت فرهنگی شیخ اشراق به اختصار تعریف می شود: سهروردی منطقی که درباره مباحث منطقی مشائون سخن گفته، و به عقیده مؤلف کتاب «از مکتب فلسفی معمول زمان خویش، یعنی نوع تحلیل منطقی مشائون فراتر رفته است».<sup>۳</sup> رویه دیگر شخصیت شیخ اشراق «سهروردی نو ابن سینایی» ست، که مؤلف با استناد به صاحب نظرانی چون دکتر مهدی حائری و جلال الدین آشتیانی می گوید: «سهروردی فیلسوفی ست که علی رغم نوآوریهایش و با وجود انحرافاتش از دیدگاه مشائی، اساساً در قلمرو فلسفی ابن سیناست».<sup>۴</sup> وجه دیگر «سهروردی حکیم» است که کسانی چون هائری کربن و استاد سید حسین نصر این عنوان را برازنده او می دانند، و «معنای شاخص این تعبیر، جنبه چند بعدی فلسفه سهروردی ست».<sup>۵</sup>

پس از این مقدمه، یک فصل کتاب درباره زندگی و آثار شیخ اشراق است، زندگی کوتاه، پر حاصل، پرماجرا و پرابهامی که از آغاز جوانی فقهای سنی شام را در برابر او قرارداد و سرانجام به درخواست آنان و به دستور صلاح الدین ایوبی، ملک ظاهر فرزند صلاح الدین فرمان پدر را گردن نهاد، و شیخ اشراق در سی و هشت سالگی کشته شد. در فصل اول کتاب، مؤلف پس از نگاهی گذرا و دقیق به سوانح زندگی شیخ، از اوضاع فکری زمان او و درگیری فرقه های مذهبی شام سخن می گوید. آن گاه یک طبقه بندی از آثار گوناگون او به دست می دهد، و سپس هر کتاب یا رساله را جداگانه و فشرده معرفی می کند، و یک زمینه ذهنی به خواننده می دهد که اگر بخواهد آن کتاب یا رساله را بخواند، با محتوای آن از پیش آشناست.

فصل دوم کتاب از مباحث و موضوعاتی که در کتابها و رساله های شیخ اشراق مطرح شده سخن می گوید، و مؤلف آنها را زیر سبزه عنوان می آورد: هستی شناسی، وجود و ماهیت، موجودات واجب و ممکن، نهایت و لائهایه، وجود خداوند، مسأله نفس و جسم، زندگی پس از مرگ، منطق، فرشته شناسی، طبیعیات، روان شناسی یا علم النفس، معادشناسی، و حکمت مقابل فلسفه. هریک از این مباحث به روشنی و اختصار شرح داده شده، و در هر مورد روشن است که آن مبحث در کدام یک از کتابها و رساله های شیخ آمده است.

فصل سوم کتاب درباره تصوف عملی است، که با «مشاهده سهروردی» آغاز می شود، یعنی روایتی که سهروردی در حکمة الاشراق بیان می کند، که در «روزی غریب» به وسیله وجودی وصف ناپذیر، حقیقت و اسرار الهی بر او ظاهر شده، و او را به نوشتن حکمة الاشراق قادر ساخته، و این که آن آگاهی از طریق استدلال عقلی به دست نیامده است.<sup>۱</sup> پس از شرح این مشاهدات و تجلی مراتب نور بر او، مؤلف طبیعت انسان را از نظرگاه شیخ اشراق مطرح می کند که «جسم او نما یانگر ظلمت و غیبت نور است»، و «نفس ناطقه از جوهر ملکوت است... و هر گه که قوی گردد به فضائل روحانی... باشد که خلاص یابد و به عالم قدس پیوندد».<sup>۲</sup> و در این قسمت است که مؤلف به موضوع تزکیه نفس و رهایی روح از بند تن اشاره می کند و به سراغ رساله الطیر شیخ اشراق و سفر مرغان می رود.<sup>۳</sup> این فصل با شرح «سفر روحانی و معراج» دنبال می شود که در آن، در توصیف چشمی که می تواند حقیقت را ببیند، شیخ اشراق مرید خود را به ترک لذایذ دنیایی ترغیب می کند تا «دیده اندرونی گشاده شود»،<sup>۴</sup> و طی این راه را نیازمند ریاضتها و چله های بسیار می داند. در پایان این راه دراز است که مرید، آن پرنده جویای حقیقت، خود «سیمرغ،

نماد توحید می شود».<sup>۱۰</sup>

فصل چهارم کتاب درباره «تصوف فلسفی» است، یعنی «به کارگیری طرح یا چهارچوب تفکر نوافلاطونی در مورد مفاهیم صوفیانه، به منظور یافتن جوابهایی منطقیاً موجه برای سؤالاتی از قبیل شوق فطری انسان به سوی عالم بالا، نقش ریاضت در تشدید این شوق و طبیعت تجارب عرفانی».<sup>۱۱</sup> در این فصل، درباره معانی و مراتب نور، فرشته شناسی، عالم مثال، مشاهده، مشاهده و استدلال، علم و حضور، و تحلیلی انتقادی از علم حضوری بحث می شود. در مراتب نور، از نور مجرد و قائم به ذات، نور عرضی، غسق، هیأت ظلمانی، و برزخ گفتگومی شود، و این که «نورالانوار که واجب الوجود است، منشأ عالم هستی است».<sup>۱۲</sup> فرشته شناسی شیخ اشراق «دلالت دارد بر شبکه پیچیده ای از انوار، عناصر، و نمادها که شمار زیادی از آنها برگرفته از میراث زرتشتی است».<sup>۱۳</sup> و خاصه در نظر او نخستین «صادر» از «نورالانوار» که در فلسفه اسلامی عقل اول خوانده می شود - همان امشاسپند «بهن» در اندیشه زردشتی است.<sup>۱۴</sup> و همان گونه که امشاسپندان در آیین زردشت کارگزاران قدرت اهورامزدا در این جهان اند، در اندیشه سهروردی نیز فرشتگان راهنمای بشر به شناخت خود و هستی، و نهایتاً به شناخت خداوند هستند. «سهروردی فرشتگان زردشتی را در خلال تشریح مباحث فلسفی خود عرضه می کند تا هماهنگی بنیادی میان جهان بینی عوالم دینی اسلام و زرتشتی را نشان دهد».<sup>۱۵</sup>

در همین گفتار چهارم، سخن به «عالم مثال» نیز کشیده می شود که سهروردی آن را در رساله آواز پر جبرئیل مطرح می کند و آن صورتهای مثالی را واقعیاتی فراتر از زمان و مکان می بیند که از «ناکجا آباد می رسند... از آن اقلیم که انگشت سبأ به آن جا ره نبرد»<sup>۱۶</sup> و آن اقلیم هشتم است که در آن شهرهایی به نام جابلقا، جابرضا، و «هورقلیا ذات العجایب» وجود دارد. شیخ در حکمة الاشراق هم از این شهرها سخن می گوید که «ریشه های وجودی زیبا ییها، و صور ظاهری این عالم در آن اقلیم است».<sup>۱۷</sup>

فصل پنجم کتاب درباره تأثیر شیخ اشراق بر فلسفه اسلامی است که «مسیر و خصلت تفکر فلسفی را از رویکردی عقل گرایانه، به رویکردی تغییر داد که زهد و ریاضت، بخشی از الگوی معرفت شناختی آن به شمار می آمد» و مکتب اشراق او میان تصوف و فلسفه مشائی همسازی و انسجام به وجود آورد،<sup>۱۸</sup> و «ایران بزرگ و شبه قاره هند، به سبب سوابق تاریخی، فرهنگی و فکری خود، مهد پرورش مکتب اشراق شدند، و این مکتب پس از آن در سوریه، آسیای صغیر، شمال آفریقا، و نیز در مغرب زمین مطرح شد و تأثیر گذاشت، اما خاصه در ایران «حال و هوا و محیط مذهبی غنی و متمایل به دانشهای باطنی» زمینه رشد و

تأثیر آن را بیشتر پدید آورد، و در مکتب اصفهان عصر صفوی، مکتب اشراق «زمینه ای را فراهم کرد که توانستند بر مبنای آن تفسیری رمزی و نمادین از اسلام شیعی تنظیم و تبیین کنند».<sup>۱۱</sup> در همین فصل پنجم، دکتر امین رضوی تأثیر شیخ اشراق را بر حکمای مکتب اصفهان - و از جمله بر میرداماد، معلم ثالث - بررسی می کند، و از ملاصدرا نیز سخن می گوید که «تعبیرات مشائی ابن سینا را با اندیشه های اشراقی سهروردی ترکیب و تلفیق کرده، و مبنای معرفت شناسی را از نور به اصالت وجود تغییر داده است».<sup>۱۲</sup> پس از آن بررسی تأثیر شیخ اشراق بر حکمای دوره قاجار نیز مطرح می شود که در آن، حاج ملاهادی سبزواری شارح نظریه اشراقی ست،<sup>۱۳</sup> و پس از دوره قاجار، مؤلف به معاصران می پردازد و از علامه سید محمد حسین طباطبائی و حواشی او بر اسفار ملاصدرا، از رسائل سید کاظم عصار، و از رفیعی قزوینی سخن می گوید، به استاد مهدی حائری یزدی و نقش مؤثر او در «مواجهه ای جدی میان فلسفه سنتی اسلامی و الگوهای فلسفی غرب» می پردازد، و در پایان این قسمت از استاد خود دکتر سید حسین نصر یاد می کند که آثار شیخ اشراق را ویرایش کرده و آنها را «هم به فارسی زبانان هم به غربیان»، معرفی کرده است.<sup>۱۴</sup>

کتاب فشرده و سودمند «سهروردی و فلسفه اشراق» با یادداشتی به عنوان ملاحظات پایانی ادامه می یابد که در آن به برخی از نقدهای آثار شیخ اشراق پاسخگویی شده، و پس از آن ملاحظات پایانی، پیوستی می آید که شرحی ست بر رساله آواز پر جبرئیل به قلم یک نویسنده ناشناس، دکتر امین رضوی این شرح را بر کتاب می افزاید زیرا آن را در تفهیم اندیشه های سهروردی مفید می داند. کتاب، با معرفی مآخذ و یک فهرست الفبایی پایان می یابد، و باز باید گفت که در شناساندن شیخ اشراق و فلسفه اشراقی او به خواننده متخصص یا غیر متخصص، اثری بسیار سودمند، و در موارد بسیاری برای مطالعات بعدی قابل استناد است. در مورد مترجم نیز، علاوه بر اشاره ای که به تسلط او بر هر دو زبان اصل و ترجمه کردم، باید افزود که کار او علاوه بر ترجمه ای دقیق و روشن، همراه با دقت و مسؤولیتی ست کم نظیر. دکتر کیوانی ضمن کار ترجمه مکرر به اصل آثار شیخ اشراق و دیگر مآخذ کار مراجعه کرده و درستی مطالب را به تأیید رسانده، و در دیگر کتابهای این مجموعه نیز، همین شیوه را ادامه داده است.

مونتREAL، کانادا

یادداشتها:

۱- مقدمه مترجم، ص ۱ تا ۶.

۲- ص ۱۲.

- ۳- ص ۱۳.  
 ۴- ص ۱۴.  
 ۵- ص ۱۵.  
 ۶- ص ۳۶ و ۹۹.  
 ۷- ص ۱۰۵.  
 ۸- ص ۱۰۷.  
 ۹- ص ۱۱۱.  
 ۱۰- ص ۱۲۰.  
 ۱۱- ص ۱۲۸.  
 ۱۲- ص ۱۳۰.  
 ۱۳- ص ۱۳۲.  
 ۱۴- ص ۱۳۳.  
 ۱۵- ص ۱۳۵ و ۱۳۶.  
 ۱۶- ص ۱۴۱.  
 ۱۷- ص ۱۴۳.  
 ۱۸- ص ۱۹۲.  
 ۱۹- ص ۱۹۳.  
 ۲۰- ص ۲۰۲.  
 ۲۱- ص ۲۰۵.  
 ۲۲- ص ۲۱۲ تا ۲۱۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی